



# بررسی روش تفسیری راغب اصفهانی

دکتر امیر احمدنژاد

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث؛ دانشگاه اصفهان



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۴

احمدنژاد، امیر، ۱۳۵۹ -

بررسی روش تفسیری راغب اصفهانی / امیر احمدنژاد. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.

نه، ۱۵۰ ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۳۵: علوم قرآن؛ ۳۳)

ISBN: 978-600-298-115-8

بها: ۶۲۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۱۳۹]-۱۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

عنوان قراردادی: جامع التفاسیر: شرح.

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد - ۵۰۲ق. - نقد و تفسیر. ۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد - ۵۰۲ق.

جامع التفاسیر - نقد و تفسیر. ۳. تفاسیر اهل سنت - قرن ۵ق. - نقد و تفسیر. الف. راغب اصفهانی، حسین بن محمد -

۵۰۲ق. جامع التفاسیر. شرح. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.

۲۹۷/۱۸

BP۹۴/ر۲ج۲۰۴۲۲۱۳۹۴

۴۰۳۵۳۴۵

شماره کتابشناسی ملی



### بررسی روش تفسیری راغب اصفهانی

مؤلف: امیر احمدنژاد (استادیار گروه علوم قرآن و حدیث؛ دانشگاه اصفهان)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۳۳۵؛ علوم قرآن: ۳۳)

ویراستار: سعیدرضا علی عسکری

صفحه آرای: اعتصام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم- سبحان

قیمت: ۶۲۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۰۲۵-۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمبر: ۰۳۰۹۰۳۲۸، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۰۲۶۰۰۶۶۴

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به‌عنوان منبع کمک‌درسی درس روش‌ها و مکاتب تفسیری برای دانشجویان رشته‌های «علوم قرآن و حدیث» و «تفسیر» در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات قرآن پژوهی فراهم آمده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های نویسنده گرامی، آقای دکتر امیر احمدنژاد و نیز ناظران محترم طرح، حجج اسلام والمسلمین آقایان دکتر محمدعلی مهدوی راد و دکتر کاظم قاضی زاده تشکر و قدردانی کند.

## فهرست مطالب

|   |    |
|---|----|
| مقدمه .....   | ۱  |
| <b>بخش اول: نگاهی به حیات، شخصیت و آثار راغب اصفهانی</b>  |    |
| محدوده عصر راغب اصفهانی .....   | ۷  |
| ویژگی‌های عصر راغب .....  | ۱۱ |
| تفسیر و علوم قرآنی در دوره راغب اصفهانی .....   | ۱۳ |
| تأثیر راغب بر تفسیرهای پس از او .....   | ۱۴ |
| مذهب راغب از نگاه دیگران .....  | ۱۶ |
| الف) کلام فخر رازی و سیوطی .....  | ۱۹ |
| ب) رد راغب بر شیوخ معتزله «بلخی» و «جبائی» به‌عنوان نمونه در ذیل واژه‌های «ختم»<br>و «خل» ..... | ۱۹ |
| ج) کتاب رساله فی الاعتقاد .....   | ۲۰ |
| مذهب راغب اصفهانی از لابه‌لای آثار .....  | ۲۳ |
| ویژگی‌های کلامی آثار راغب .....   | ۲۴ |
| الف) قراین اشعری و و سنی نبودن راغب .....   | ۲۴ |
| ۱. تأویل صفات .....   | ۲۴ |
| ۲. نفی رؤیت پروردگار .....  | ۲۶ |
| ۳. حسن و قبح عقلی .....   | ۲۷ |
| ۴. جبر و اختیار .....   | ۲۸ |
| ب) قرائن اعتزالی نبودن راغب .....   | ۳۱ |
| ج) قرائن تشیع راغب .....  | ۳۳ |
| ۱. دیدگاه‌های کلامی .....   | ۳۳ |
| ۲. نقل از ائمه و بزرگان شیعه .....  | ۳۴ |
| ۳. قرائنی دیگر .....  | ۳۷ |
| د) قرائن عدم تشیع راغب .....  | ۳۸ |

|    |   |
|----|---|
| ۴۶ | ..... هـ) عقل گرایی در آثار راغب اصفهانی                |
| ۴۸ | ..... و) معنی «حکمت» در آثار راغب                       |
| ۵۱ | ..... ز) تصوف در آثار راغب اصفهانی                      |
| ۵۶ | ..... دلائل عدم تعزّض نسبی صاحبان تراجم به راغب اصفهانی |
| ۵۷ | ..... بررسی دیدگاه‌ها                                   |

### بخش دوم: روش‌شناسی تفسیری راغب اصفهانی

|    |             |
|----|-------------|
| ۶۳ | ..... مقدمه |
|----|-------------|

#### فصل اول: کلیات

|    |   |
|----|---|
| ۶۹ | ..... ۱-۱. روش کلی راغب در تبیین آیات         |
| ۶۹ | ..... ۲-۱. کیفیت نقل آرای دیگران              |
| ۷۱ | ..... ۳-۱. جمع میان دیدگاه‌های مختلف          |
| ۷۳ | ..... ۴-۱. اسباب ترجیح اقوال نزد راغب اصفهانی |
| ۷۶ | ..... ۱-۴-۱. مطابقت با نحو و بلاغت            |
| ۷۶ | ..... ۲-۴-۱. مطابقت با دلیل فقهی              |
| ۷۷ | ..... ۳-۴-۱. استناد به شأن نزول               |
| ۷۷ | ..... ۴-۴-۱. مطابقت نداشتن با سنن سلف         |

#### فصل دوم: مباحث ادبی

|    |  |
|----|--|
| ۷۹ | ..... ۱-۲. واژه‌شناسی                                  |
| ۷۹ | ..... ۱-۱-۲. بیان معنی واژه                            |
| ۸۰ | ..... ۲-۱-۲. ریشه‌یابی لغت                             |
| ۸۲ | ..... ۳-۱-۲. بررسی دیدگاه سایر لغت‌شناسان              |
| ۸۲ | ..... ۴-۱-۲. توجه به کاربردهای قرآنی                   |
| ۸۳ | ..... ۲-۲. فروق اللغة                                  |
| ۸۳ | ..... ۱-۲-۲. فروق اللغة ذاتی                           |
| ۸۴ | ..... ۲-۲-۲. فروق اللغة قرآنی                          |
| ۸۴ | ..... ۳-۲. مقایسه با مفردات                            |
| ۸۹ | ..... ۴-۲. مباحث صرفی و نحوی                           |
| ۸۹ | ..... ۱-۴-۲. مباحث نحوی                                |
| ۸۹ | ..... ۱-۱-۴-۲. بیان نکات نحوی آیه                      |
| ۸۹ | ..... ۲-۱-۴-۲. استفاده از استدلال‌ات نحوی در تبیین آیه |
| ۹۰ | ..... ۳-۱-۴-۲. بررسی نتیجه نقش اعرابی بر معنی آیه      |
| ۹۱ | ..... ۴-۱-۴-۲. بحث نحوی در توجیه ادبی آیه              |

- ۹۱-۲-۴-۱-۵. پذیرش و ردّ احتمال‌ها و دیدگاه‌های تفسیری با دلایل نحوی.....
- ۹۱-۲-۴-۱-۶. نقد دیدگاه نحویان.....
- ۹۲-۲-۴-۱-۷. استشهاد به شعر شاعران عرب.....
- ۹۲-۲-۴-۱-۸. توجیه یا رد قرائت‌ها با دلایل نحوی.....
- ۹۳-۲-۴-۲. مباحث صرفی.....
- ۹۳-۲-۴-۱-۱. ریشه‌یابی واژه‌ها.....
- ۹۳-۲-۴-۲-۲. استفاده از وجوه صرفی در تبیین آیه.....
- ۹۳-۲-۵. مباحث بلاغی.....
- ۹۴-۲-۵-۱. تبیین حکمت بیانی قرآن کریم.....
- ۹۴-۲-۵-۱-۱. حکمت انتخاب الفاظ و عبارت‌ها.....
- ۹۴-۲-۵-۱-۲. بیان حکمت تقدیم و تأخیر در آیه.....
- ۹۵-۲-۵-۱-۳. بیان حکمت تکرار آیات و عبارت‌ها.....
- ۹۵-۲-۵-۱-۴. بیان وجه اتصال بین آیات.....
- ۹۶-۲-۵-۱-۵. بیان وجه ارتباط میان صدر و ذیل آیه.....
- ۹۶-۲-۵-۱-۶. بیان تفاوت آیات متشابه الالفاظ.....
- ۹۷-۲-۵-۱-۷. جمع بین آیات به ظاهر متناقض.....
- ۹۷-۲-۵-۲. ذکر لطایف عبارت‌های قرآنی.....
- ۹۸-۲-۵-۳. استفاده از نکته‌های بلاغی در نقد دیدگاه تفسیری.....
- ۹۸-۲-۵-۴. استشهاد به دیگر آیات قرآن در بحث‌های بلاغی.....
- ۹۸-۲-۵-۵. استشهاد به بیان عرفی در تبیین آیه.....

### فصل سوم: مباحث نقلی.....

- ۹۹-۳-۱. تفسیر قرآن به قرآن.....
- ۹۹-۳-۱-۱. بحث درباره جایگاه واژه یا اصطلاح در قرآن.....
- ۱۰۰-۳-۱-۲. بیان وجوه مختلف آیه با استفاده از دیگر آیات.....
- ۱۰۱-۳-۱-۳. استفاده از شواهد قرآنی در توجیه دیدگاه تفسیری.....
- ۱۰۱-۳-۱-۴. تبیین تفاوت واژه‌ها با استفاده از آیات قرآن.....
- ۱۰۱-۳-۱-۵. تبیین کیفیت زبان قرآن.....
- ۱۰۲-۳-۱-۶. ذکر آیات مشابه هم.....
- ۱۰۳-۳-۱-۷. ذکر آیات مورد اشاره در آیه محل بحث.....
- ۱۰۳-۳-۱-۸. تسلط بر آیات.....
- ۱۰۴- نتیجه.....
- ۱۰۴-۳-۲. جایگاه روایات در تفسیر راغب.....
- ۱۰۵-۳-۲-۱. شیوه کلی تعامل راغب با روایات.....
- ۱۰۵-۳-۲-۱-۱. رابطه روایات و قرآن از دیدگاه راغب.....

- ۱۰۶ ..... ۲-۱-۲-۳. رابطه روایات و عقل از دیدگاه راغب
- ۱۰۷ ..... ۲-۲-۳. استفاده از روایات در تبیین آیه
- ۱۰۷ ..... ۳-۲-۳. استفاده از روایات به عنوان مؤید و شاهد
- ۱۰۷ ..... ۴-۲-۳. استفاده از روایت در برداشت حکم قطعی از آیه
- ۱۰۸ ..... ۵-۲-۳. استفاده از روایت در بیان وجوه تفسیری آیه
- ۱۰۸ ..... ۳-۳. شأن نزول آیات
- ۱۰۸ ..... ۱-۳-۳. تمسک به شأن نزول در فهم مراد آیه
- ۱۰۹ ..... ۲-۳-۳. نقل چند شأن نزول برای آیه بدون ترجیح
- ۱۰۹ ..... ۳-۳-۳. رد نقد شأن نزول منطبق بر متن
- ۱۱۰ ..... ۴-۳-۳. جمع میان چند شأن نزول به عموم لفظ
- ۱۱۰ ..... ۵-۳-۳. اخذ به قدر متیقن اسباب نقل شده
- ۱۱۱ ..... ۶-۳-۳. ذکر یک سبب با بیان قطعی و سپس ذکر دیگر اقوال
- ۱۱۱ ..... ۷-۳-۳. نزول آیه در بیشتر از یک سبب
- ۱۱۱ ..... ۸-۳-۳. عبرت به عموم لفظ و نه خصوص سبب
- ۱۱۲ ..... ۹-۳-۳. استناد به شأن نزول در رد دیدگاه
- ۱۱۳ ..... ۱۰-۳-۳. توجه نکردن به اسرائیلیات
- ۱۱۳ ..... ۴-۳. قرائات
- ۱۱۳ ..... ۱-۴-۳. بحث نحوی در مورد قرائت
- ۱۱۴ ..... ۲-۴-۳. توجیه نحوی قرائت
- ۱۱۴ ..... ۳-۴-۳. اشاره به تأثیر قرائت در معنا
- ۱۱۵ ..... ۴-۴-۳. ذکر شواهد قرائت‌ها
- ۱۱۶ ..... ۵-۴-۳. ذکر قرائت‌های خلاف مصحف
- ۱۱۶ ..... ۵-۳. آیات ناسخ و منسوخ در تفسیر راغب
- ۱۱۶ ..... ۱-۵-۳. تعریف نسخ
- ۱۱۹ ..... ۲-۵-۳. روش راغب در آیاتی که ادعای نسخ آنها شده است
- ۱۱۹ ..... ۱-۲-۵-۳. قول به عدم تنافی
- ۱۲۰ ..... ۲-۲-۵-۳. قول به تخصیص
- ۱۲۱ ..... ۳-۲-۵-۳. پیش بردن بحث بدون اظهار نظر
- ۱۲۲ ..... ۴-۲-۵-۳. پذیرفتن نسخ
- ۱۲۲ ..... ۳-۵-۳. نسخ کتاب با سنت
- ۱۲۳ ..... ۴-۵-۳. نسخ تلاوت

#### فصل چهارم: مباحث کلامی و عقلی ..... ۱۲۵

- ۱۲۵ ..... ۱-۴. مباحث عقلی
- ۱۲۵ ..... ۱-۱-۴. بحث‌های منطقی



|     |       |         |                                     |
|-----|-------|---------|-------------------------------------|
| ۱۲۶ | ..... | ۱-۱-۱-۴ | اشاره به قیاس‌های منطقی در آیه      |
| ۱۲۷ | ..... | ۲-۱-۱-۴ | استفاده از قیاس در تبیین آیه        |
| ۱۲۷ | ..... | ۳-۱-۱-۴ | استفاده فراوان از قاعده سیر و تقسیم |
| ۱۲۸ | ..... | ۲-۱-۴   | بحث‌های اجتهادی                     |
| ۱۲۹ | ..... | ۳-۱-۴   | بحث‌های فلسفی                       |
| ۱۲۹ | ..... | ۲-۴     | مباحث کلامی                         |

### فصل پنجم: اخلاق و تصوف

|     |       |     |       |
|-----|-------|-----|-------|
| ۱۳۱ | ..... | ۱-۵ | اخلاق |
| ۱۳۳ | ..... | ۲-۵ | تصوف  |

### فصل ششم: مباحث فقهی

|     |       |     |                                   |
|-----|-------|-----|-----------------------------------|
| ۱۳۵ | ..... | ۱-۶ | بیان فواید فقهی آیه               |
| ۱۳۶ | ..... | ۲-۶ | ذکر اقوال مختلف فقهی در آیه       |
| ۱۳۶ | ..... | ۳-۶ | ترجیح وجهی با توجه به دیدگاه فقهی |
| ۱۳۶ | ..... | ۴-۶ | استفاده از قرآن                   |
| ۱۳۷ | ..... | ۵-۶ | استفاده از روایات                 |
| ۱۳۷ | ..... | ۶-۶ | ارجاع به فقها و کتاب‌های آنان     |

### منابع و مآخذ

|     |       |  |  |
|-----|-------|--|--|
| ۱۳۹ | ..... |  |  |
|-----|-------|--|--|

### نمایه‌ها

|     |       |  |               |
|-----|-------|--|---------------|
| ۱۴۲ | ..... |  | نمایه آیات    |
| ۱۴۵ | ..... |  | نمایه روایات  |
| ۱۴۶ | ..... |  | نمایه اشخاص   |
| ۱۴۹ | ..... |  | نمایه کتاب‌ها |



## مقدمه

نمی‌توان از شاخه‌های مختلف علوم اسلامی و ادبیات عرب سخن گفت؛ اما گوشه‌چشمی به آثار راغب اصفهانی نداشت. آثار راغب در هر زمینه‌ای که نگارش یافته راهگشا بوده‌اند و راهنما. آنچه این دانشمند مسلمان ایرانی را ممتاز می‌کند، بیش از هر چیز خلاقیت او و ابتکارهایی است که در نوع ورود وی به مطلب و بحث کردنش به چشم می‌خورد. انس محققانه او با قرآن، قدرت اجتهاد ویژه، حتی در زمینه‌هایی مانند واژه‌شناسی که ذاتاً در زمره علوم نقلی شمرده می‌شوند و قلم رسا و بدون حشو و هرزنویسی، ممتاز بودن او را دوچندان کرده‌اند. افزون‌تر اینکه این دانشمند کم‌نظیر در حوزه مهم دیگری نیز می‌تواند و باید الگوی محققان شمرده شود و آن اخلاق و ادب ویژه‌ای است که در آثار او جلوه‌نمایی می‌کنند. اخلاق و تواضع خاصی که به‌ویژه در قرن چهارم و دوره مجادلات کلامی به اوج رسیده آن، با ارزش‌تر به چشم می‌آید. راغب در زمینه‌های مختلف از زمان خویش پیشی گرفته است، به طوری که هنوز هم روش‌های او قابل مطالعه و تأثیرگذار هستند.

شاید دریغ‌انگیزترین نکته مربوط به آثار راغب اصفهانی، از دست رفتن تفسیر او بر قرآن مجید باشد. تفسیری که به ظاهر ده جلدی بوده و تا چندی پیش تنها مقدمه آن در دسترس بود، ولی اکنون بخش‌هایی از پنج سوره ابتدائی قرآن آن نیز یافت و منتشر شده است. مرور همین بخش‌ها از تفسیر راغب برای تصدیق این افسوس، بسنده است.

نوشتار پیش رو گام کوچکی در راه معرفی روش تفسیری راغب اصفهانی است. این تحقیق هدفش شناساندن تفسیر راغب و تبیین اهمیت آن و نیز آشنا شدن با کیفیت نگاه مفسران گذشته به علم تفسیر است. سعی بسیار بر این بوده که زوایای مختلف این تفسیر حتی در جزئیات، از نظر پنهان‌نماند؛ هرچند با در اختیار بودن اجزای بیشتری از این اثر، مباحث دقیق‌تر و مستندتر می‌شدند.

هر فصل اثر، به موضوعات مهم و مرتبط با هم اختصاص یافته و در زیرفصل‌ها، توضیحات آنها به تفصیل بیشتری آمده‌اند.

در مباحث طرح شده سعی بر این بوده تا از تفصیل و توضیحات نامتناسب و نیز از مقایسه روش و اندیشه‌های راغب با دیگر مفسران هم عصرش، تا حد ممکن، پرهیز شود، تا بدین ترتیب مجموعه‌ای خلاصه و شامل سرفصل‌های مربوط به روش تفسیری راغب در اختیار داشته باشیم. بنای ما در این تحقیق بر ذکر نمونه‌های مهم، گویا و در حد امکان کوتاه از تفسیر وی بوده است؛ اما با وجود این در پانوشت به نشانی نمونه‌های بیشتر برای بررسی کامل‌تر اشاره شده است.

در کنار روش‌شناسی این اثر گرانبها به دلیل ابهام‌های فراوانی که پیرامون حیات، شخصیت و مذهب راغب اصفهانی وجود دارد و نیز از آنجا که دریافت پیشینه و نگرش‌های یک اندیشمند در بررسی آثار او نقشی بسزا دارند، بخش نخست تحقیق به بررسی ابعاد شخصیتی و مذهب او با تکیه بر آثارش، اختصاص یافته است. در این بخش سعی بر آن بوده تا هیچ یک از آثار مطبوع راغب اصفهانی، آثار خطی در دسترس و نیز تحقیقات انجام شده پیرامون شخصیت او دور از نظر نماند.

بنابراین، تحقیق پیش رو، در دو بخش مجزا سامان یافته است؛ بخش نخست، شامل فصل‌ها و مباحثی درباره شخصیت راغب اصفهانی و بخش دوم درباره روش تفسیری او. توجه به این نکته نیز خوب است که اغلب تحقیقات انجام گرفته در خصوص مذهب راغب اصفهانی، غیر محققانه و با تعصبات مذهبی همراه بوده‌اند، به طوری که گاه روشن‌ترین و گویاترین اشارات او در مهم‌ترین و معروف‌ترین آثارش، ندیده انگاشته شده و در عوض، با شغف و ذوق بسیار، به نسخه‌ای نوپدید و تازه نسبت داده شده به او در تعیین مذهبش تمسک شده که شرح و نقد آنها، البته به اندازه مجال یک مقدمه خواهد آمد.

همین‌طور شایسته است در این مجال از دوستان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که در ارزیابی و آماده‌سازی این اثر زحمات فراوانی را متحمل شدند؛ به‌ویژه حجج اسلام آقایان دکتر محمدباقر سعیدی روشن، دکتر محمد اسعدی، علی‌اکبر بابائی و کارشناس محترم گروه حجت‌الاسلام محسن یوسفی قدردانی کنم.

امیر احمدنژاد

تابستان ۹۴

بخش اول

**نگاهی به حیات، شخصیت  
و آثار راغب اصفهانی**



بی تردید از مأنوس‌ترین نام‌ها نزد دانشمندان و دانشجویان علوم اسلامی، نام راغب اصفهانی، بزرگ دانشمند عرصه قرآن‌پژوهی، ادبیات عرب و حکمت است که در طول قرن‌های متمادی، آثارش بهترین معرف شخصیت کم‌نظیر علمی او بوده‌اند. شمار کتاب‌ها و رساله‌های او در منابع مختلف تا ۲۵ عنوان گفته شده است. معروف‌ترین آنها که هریک در رشته خود به‌عنوان منبعی مهم و اثرگذار شمرده شده‌اند عبارت‌اند از:

#### ۱. مفردات ألفاظ القرآن یا المفردات فی غریب القرآن

زرکشی این کتاب را از بهترین کتاب‌های غریب القرآن دانسته<sup>۱</sup> و فیروزآبادی معتقد است همانندی ندارد.<sup>۲</sup> حاجی خلیفه نیز آن را در هر علمی از علوم شرع سودمند می‌داند؛<sup>۳</sup>

#### ۲. الذریعة إلى مکارم الشریعة

کتابی در زمینه اخلاق و حکمت که گفته شده غزالی این کتاب را همواره در سفرهایش همراه خود داشته و به آن مراجعه می‌کرده است؛<sup>۴</sup>

#### ۳. محاضرات الادباء و محاورات البلغاء و الشعراء

کتابی است کشکول مانند در زمینه ادبیات که بسیار حائز اهمیت بوده و شامل لطایف و ظرائف بسیاری است؛

#### ۴. تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین

کتابی است اخلاقی و دربردارنده احوال دنیا و آخرت؛

---

۱. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۹۴. ۲. فیروزآبادی، البلغة، ص ۹۱.  
۳. حاجی خلیفه، کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، ج ۲، ص ۱۷۷۳.  
۴. همان، ج ۱، ص ۶۲۴.

## ۵. جامع التفسیر یا جامع التفاسیر

این تفسیر از منابع قاضی بیضاوی در نگارش تفسیر *أنوارالتنزیل* بوده است.<sup>۱</sup> اما با وجود این آثار ارزشمند، از شأن علمی و تألیف‌های مهم و معروف راغب اصفهانی که بگذریم، به جرئت می‌توان گفت که به جز لقب، در همه خصوصیات زندگی او ابهاماتی اغلب ریشه‌ای وجود دارند. اسم او را به اختلاف حسین بن محمد بن المفضل، مفضل بن محمد، حسین بن مفضل بن محمد، ابومحمدالحسین الاصبهانی ذکر کرده‌اند. سال وفات او هم در منابع مختلف از ۳۹۶ تا ۵۶۵ به بیش از پانزده گونه نقل شده که البته بسیاری از آنها هم‌پوشانی دارند. همچنین به هیچ وجه محل و تاریخ ولادت، محل وفات، طول عمر، شهرهایی که او به احتمال مدتی از عمر خود را در آنها سپری کرده، استادانی که در محضر آنان علم آموخته و شاگردانی که تربیت کرده و نیز عقاید مذهبی و سیاسی او مشخص نیستند.

نخستین کتاب موجودی که سطرهایی از زندگی‌نامه راغب را در خود دارد، کتاب تاریخ حکماء الاسلام، مشهور به «تتمة صوان الحکمة»، نوشته بیهقی (م ۵۶۵ق) است. یعنی آن‌گونه که پس از این خواهیم آورد، این کتاب حدود ۱۵۰ سال پس از درگذشت راغب اصفهانی نگاشته شده است. پس از بیهقی نیز ترجمه قابل توجهی از راغب به چشم نمی‌خورد، مگر آنکه فخر رازی او را در کنار غزالی، از متفکران اشعری مذهب دانسته است.<sup>۲</sup> نمی‌توان اظهار شگفتی نکرد که چگونه دانشمندی سترگ چون راغب که او را به شخصیتی مانند غزالی قرین دانسته‌اند، تا بدین حد در میان اصحاب قلم مهجور مانده، حال آنکه در طی قرن‌های متمادی آثار او همه جا مرجع دانشمندان و دین‌پژوهان بوده است.

افزون بر نداشتن شرح حال، که در انتها به راز احتمالی آن به‌طور ویژه خواهیم پرداخت، نکته دیگری نیز که در مبهم ماندن شخصیت راغب اصفهانی بسیار تأثیرگذار بوده، تمایل نداشتن خود او به معرفی خویش است، به‌طوری‌که در لابه‌لای آثار فراوان راغب هرگز به تصریحی از او

---

۱. افزون بر شهرت این مطلب و تصریح اغلب تراجم، سیدعلی میرلوحی معتقد است، عقیده بیضاوی و آنچه در تفسیر راغب نقل شده، یکسان است، تا آنجا که گویی بیضاوی درست آنچه را که در تفسیر راغب بوده است با تغییر عبارت‌ها به تفسیر خود منتقل ساخته است و نیز تفسیر او با مفردات راغب هماهنگی بسیار دارد، مثل موارد هدایت، رب العالمین، علم، ان الله علی کل شیء قدير، شیء، قدر، اهدنا الصراط المستقیم، (ر.ک: میرلوحی فلاورجانی، شرح حال راغب اصفهانی و تحقیق در آثار او، ص ۱۳۶-۱۴۲).

۲. رازی، اساس التقدیس فی علم الکلام، ص ۲۴.



بخش اول: نگاهی به حیات، شخصیت و آثار راغب اصفهانی ۷

بر نمی‌خوریم که در آن به معرفی خویش یا خاندانش پرداخته باشد. او حتی از تمجیدهایی که معمول نویسندگان در ابتدای آثار خود در باب حاکمان و صاحبان قدرت می‌آورند هم به دور است. افزون بر این او هیچ‌گاه به تصریح در باب مذهب خویش سخن نمی‌گوید. برخی محققان به درستی علت این رویکرد راغب را تقوای علمی کم‌نظیر و آزاداندیشی او دانسته‌اند. راغب اولاً، به ندرت از خود سخن می‌گوید و حتی این امر را سبک‌سری می‌شمارد<sup>۱</sup> و ثانیاً، به هیچ‌روی کورکورانه و تعصب‌آمیز به موضع‌گیری در مسائل مختلف کلامی و فقهی نمی‌پردازد؛ از این‌رو، گاه به گاه می‌توان در آثار او دیدگاه‌هایی را یافت که با مذاهب مختلف قابل انطباق باشند و به احتمال همین مسئله خود باعث شده تا نام و جای نام او در طبقات مذاهب مختلف خالی باشد.

با وجود این، برای شناخت بهتر راغب و احوال و ویژگی‌های اعتقادی این شخصیت جز جستجوی صفحه به صفحه آثار او و احیاناً استفاده از قرائن تاریخی راهی پیش رو نداریم. البته در مورد تعیین عصر او و تاریخ تقریبی وفاتش تحقیقات ارزشمندی از سوی محققان معاصر و به‌ویژه محمد قزوینی انجام شده است. بنابراین، ما در موارد یادشده به نقل، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از اقوال اکتفا می‌کنیم.

### محدوده عصر راغب اصفهانی

همان‌گونه که اشاره شد، سال وفات راغب در منابع مختلف میان سال‌های ۳۹۶ تا ۵۶۵ق، با بیش از ۱۵ گونه روایت آمده است؛ اما اقوال محققانه بیشتر بر اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم نظر داشته‌اند.

سال ۵۶۵ق، برای نخستین بار در کتاب روضات الجنات آمده است. خوانساری در تاریخ وفات راغب می‌نویسد:

و وفات او همان‌گونه که در کتاب تاریخ اخبار بشر آمده و از او تعبیر به ابوالقاسم اصفهانی، یکی از حفاظ کرده، سال ۵۶۵ و قبل از وفات جارالله زمخشری بوده و ظاهر این است که وفات او در بغداد و نه اصفهان واقع شده است.<sup>۲</sup>

نفس عبارت به خوبی روشن می‌سازد که ۵۶۵ق، یا اشتباه ناسخان بوده یا سهو عجیب مؤلف؛ چراکه وفات زمخشری به یقین ۵۳۸ است و نیز گرچه معلوم نیست که منظور از تاریخ

۱. مجاهد، محاضرات الأدباء و محاورات البلغاء و الشعراء، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۰، ص ۱۰.

۲. موسوی خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۳، ص ۱۹۷.

اخبار بشر چه کتابی است؛ ولی واضح است که هر ابوالقاسم اصفهانی نمی‌تواند راغب اصفهانی باشد؛ از این رو، این قول بی‌شک نادرست و غیرقابل اعتماد است. اما سال ۵۰۲ق، که در بسیاری از منابع متأخر نقل شده و اغلب از سوی نویسندگان مختلف و محققان آثار راغب به‌عنوان سال درگذشت راغب تلقی می‌شود، به نظر حاصل کلام دوپهلوی جلال‌الدین سیوطی است. وی از سال وفات راغب به «اوائل المئة الخامسة» تعبیر می‌کند.<sup>۱</sup> این تعبیر گرچه ظهور در اوائل قرن ششم هجری دارد؛ اما بر اوائل قرن پنجم نیز قابل تطبیق است. سیوطی از این اصطلاح در موارد مشابه دیگر در این قرن و دیگر قرن‌ها استفاده نکرده است و این خود بر دشواری موضوع افزوده و باعث سوءتفاهم شده است. به نظر می‌رسد حاجی خلیفه با استناد به همین کلام سیوطی وفات او را یک بار «رأس المئة الخامسة»<sup>۲</sup> و بار دیگر «نیف و خمس مئة»<sup>۳</sup> دانسته است. گفتنی است که در برخی از نسخه‌های کتاب کشف الظنون، به جای «نیف و خمس مئة»، «اثنین و خمس مئة» آمده است.<sup>۴</sup> قزوینی معتقد است پس از حاجی خلیفه، فلوگل اولین کسی است که با استناد به کشف الظنون، سال ۵۰۲ق، را به‌عنوان سال دقیق وفات راغب آورده است<sup>۵</sup> و بعد از او دیگران این تاریخ را آورده‌اند<sup>۶</sup> که به این مجموعه شیخ آقابزرگ تهرانی<sup>۷</sup> و بروکلیمان<sup>۸</sup> را هم می‌افزاییم. این محقق کم‌نظیر ادامه می‌دهد:

حاجی خلیفه نمی‌توانسته پس از ۵۰۰ سال یک باره سال دقیق وفات راغب را مشخص کند، به‌علاوه اینکه ۵۰۲ تنها در بعضی از نسخه‌های کشف الظنون آمده است و در بقیه نیف و خمس مئة آمده.

قزوینی در ادامه با شواهدی نشان می‌دهد که راغب با توجه به نقل قول از معاصرانش در کتاب محاضرات قطعاً در قرن چهارم می‌زیسته است. بعدها این بحث از سوی احمد مجاهد

۱. سیوطی، بغية الوعاة في طبقات النحويين و النحاة، ج ۲، ص ۲۹۷.
۲. حاجی خلیفه، کشف الظنون...، ج ۱، ص ۹۲. ۳. همان، ص ۳۷۷.
۴. قزوینی، یادداشت‌های قزوینی (به کوشش ایرج افشار)، ج ۵، ص ۷، [۱۰۸۹].
۵. همان، فهرست نسخ خطی وینه ۳۴۱/۱، ص ۸، [۱۰۹۰].
۶. زرکلی، اعلام، ص ۲۵۸؛ ادوارد فتریک، اکتفاء القنوع، ص ۳۴۲؛ معجم المطبوعات العربیه، ص ۹۲۱؛ یوسف سرکیس، فهرست کتابخانه مشهد، ج ۳، ص ۱۹۴.
۷. شیخ آقابزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعه، ج ۵، ص ۴۵.
۸. بروکلیمان، تاریخ الأدب العربی، ج ۵، ص ۲۱۳.

بخش اول: نگاهی به حیات، شخصیت و آثار راغب اصفهانی ۹

در مقدمه تحقیق کتاب نوادر که ترجمه و تلخیصی از محاضرات راغب به علاوه اضافات قزوینی است، تکمیل شده است.

سیدعلی میرلوحی فلاورجانی و عبدالرحمن ساریسی نیز به احتمال بدون اطلاع از این کار انجام شده، تلاش‌هایی در این زمینه انجام داده‌اند که می‌توانند مفید واقع شوند. بخشی از دلائل ارائه شده از سوی این عالمان بر حیات راغب در قرن چهارم بدین قرارند:

۱. راغب در کتاب عظیم خود محاضرات، از پیامبر اسلام ﷺ و خلفای راشدین و دوازده خلیفه اموی و ۲۴ خلیفه عباسی نه یک بار، بلکه به کرات یاد کرده و آرا و اقوال و حکایات آنان را نقل می‌کند؛ اما از بیست و پنجمین خلیفه عباسی، یعنی «القادر بالله» به بعد نامی نیاورده، پس راغب یا زمان قادر (۳۸۱م) را درک نکرده، یا در آن زمان پیر و فرتوت و از کار افتاده بوده و هرچند زنده بوده است؛ اما تألیف محاضرات را در حدود همین سال به پایان برده است؛<sup>۱</sup>

۲. هیچ‌یک از اعلامی که راغب در محاضرات از آنها یاد کرده (بیش از ۱۰۸ نفر) وفاتشان از ۴۲۱ق، تجاوز نمی‌کند. آخرین شخصی که راغب نام او را در اثر خود یاد می‌کند «احمد بن یعقوب مسکویه» است که وفاتش همان سال ۴۲۱ق، است؛

۳. از کتاب محاضرات او به جزم دانسته می‌شود که وی معاصر صاحب‌بن‌عباد (۳۸۵م) بوده است. برای نمونه، وی با شخصی به نام ابوالقاسم بن ابی العلاء اصفهانی، که شاعر و از مداحان صاحب‌بن‌عباد بوده مشاعره و مکاتبه داشته است.<sup>۲</sup> یا اینکه این حکایت در محاضرات آمده که در هم‌عصر بودن راغب با صاحب صراحت دارد:

یکی از اهل زمان ما در پیش صاحب‌بن‌عباد چیزی از او پرسید [توجه کنید که راغب در اینجا به صراحت معاصر بودن خود را با صاحب‌بن‌عباد بیان می‌کند] سپس به غلط دعا کرد و گفت: لا أظال الله بقائك، فقال قل: لا وأظال الله بقائك.<sup>۳</sup>

راغب تنها در مجمع‌البلاغه نام صاحب را هفده بار آورده است؛<sup>۴</sup>

۴. افزون بر صاحب، او بیشتر اعلام و بزرگان سیاست و ادب را یاد می‌کند که در انتهای قرن چهارم می‌زیسته‌اند از جمله ابوالفضل بن عمید وزیر آل بویه (۳۶۰م)، عضدالدوله (۳۷۲م)، عزالدوله (۳۶۷م) و رکن‌الدوله دیلمی (۳۲۲-۳۶۶) که صاحب‌بن‌عباد وزیر او بوده است؛

۱. قزوینی، نوادر، ص ۲۳.

۲. همان‌جا.

۳. همان‌جا.

۴. ساریسی، راغب و جهوده فی اللغة و الادب، ص ۳۴.

۵. راغب اشعار متنبی (۳۴۵م) را بسیار ذکر و تمهید می‌کند؛ ولی حتی یک بیت شعر از ابی‌العلاء معری (۴۴۹م) به‌رغم قوت شعری‌اش نقل نمی‌کند؛<sup>۱</sup>
۶. او هیچ سخنی از ترکان سلجوقی که در سال ۴۴۷ق، به حکومت رسیدند و ظلم‌های فراوانی روا داشتند نمی‌گوید؛<sup>۲</sup>
۷. آنچه که در آثار او آمده مطابق است با بحث‌های داغی که در قرن چهارم میان متکلمان رواج داشته و در قرن پنجم سرد شده است.<sup>۳</sup>
- افزون بر این قرائن که در کتاب محاضرات بدان برمی‌خوریم چند قرینه نقلی دیگر نیز وجود دارند که یقین ما را درباره حیات راغب در قرن چهارم به کمال می‌رسانند.
- نام راغب در کتاب محاسن اصفهان در زمره دانشمندان متقدم علوم ادبی و نحو آمده است، مافروخی می‌نویسد: پس از متقدمین [در نحو، اعراب و انشاء]... «ابوالقاسم راغب»،... است.<sup>۴</sup>
- آن‌گونه که در متن همین کتاب صفحه‌های ۱۰۱ و ۱۰۶ آمده و محقق کتاب بدان تصریح می‌کند، این کتاب میان سال‌های ۴۶۵ تا ۴۸۵ق، در عهد ملک‌شاه نوشته شده است، بنابراین، راغب به یقین میانه‌های قرن پنجم را درک نکرده است.
- افزون بر اینها، محمد عدنان جوهرجی، مدعی است که هنگام سامان دادن به یکی از کتابخانه‌های شخصی در دمشق، مخطوطه نادری از مفردات راغب را دیده که در سال ۴۰۹ نسخه‌برداری شده است.<sup>۵</sup> بنابراین، روشن است زنده بودن راغب تا اوائل قرن ششم تقریباً ناممکن است؛ چراکه اگر این تاریخ را صحیح بدانیم، حتی اگر این نسخه به خط خود راغب اصفهانی هم نگاشته شده باشد، از آنجا که مفردات جزء تألیفات اولیه مؤلف نبوده و وی در این کتاب در موارد متعدد به دیگر آثار خود<sup>۶</sup> ارجاع می‌دهد، عملاً زنده ماندن او تا اوائل قرن ششم ناممکن به نظر می‌رسد. ساریسی نیز در نسخه خطی الذریعة الی مکارم الشریعة<sup>۷</sup> و
- 
۱. همان‌جا.  
۲. همان‌جا.  
۳. همان‌جا؛ میرلوحی فلاورجانی، شرح حال راغب...، ص ۱۹-۲۳.  
۴. مافروخی، محاسن اصفهان، ص ۳۳.  
۵. جوهرجی، مجلة اللغة العربیة بدمشق، ص ۱۹۱.  
۶. مانند «الرسالة المنبهة علی فوائد القرآن»: مقدمه و نیز «أصول الاشتقاق»: مادة جلد، «تحقیق الألفاظ المترادفة علی المعنی الواحد»: مقدمه، «رسالة تحقیق مناسبات الألفاظ»: مقدمه، «الذریعة الی مکارم الشریعة»: ماده صدق و ملک و دنو.  
۷. کتابخانه ابراهیم پاشاه سلیمانیه استانبول، شماره ۷۶۸.

بخش اول: نگاهی به حیات، شخصیت و آثار راغب اصفهانی ۱۱

حل متشابهات القرآن،<sup>۱</sup> سال وفات راغب را ۴۰۶ق، در ۶۶ سالگی دیده است،<sup>۲</sup> که گرچه این اقوال به خودی خود معتبر نیستند؛ اما با توجه به آنچه گذشت می‌توانند تأیید شوند. به هر حال، این مطلب به خوبی روشن است که قول به وفات راغب پس از نیمه دوم قرن پنجم هرچه باشد یقیناً صحیح نیست و ریشه این اشتباه به احتمال ابهام کلام سیوطی و برداشت حاجی خلیفه از آن بوده است و وفات این دانشمند بزرگ، در اواخر قرن چهارم، یا حداکثر سال‌های اولیه قرن پنجم است.

### ویژگی‌های عصر راغب

قرن چهارم به‌ویژه آن هنگام که به سال‌های میانی‌اش نزدیک می‌شود، قرنی از هر جهت ویژه و نو است. خلافت عباسیان در این دوره کاملاً رو به افول گذاشته و تنها در حد مقامی تشریفاتی باقی مانده است. قدرت در سرزمین‌های گسترده اسلامی چند پاره شده و البته سامان خاص خود را هم حفظ کرده است. سه حکومت مهم شیعی آل بویه، آل حمدان و فاطمیان هریک با در دست گرفتن قلمروهایی به اداره امور می‌پردازند و درگیری‌های قابل توجهی میان این سه دیده نمی‌شود، هرچند در گوشه و کنار سرزمین اسلامی گاه و بی‌گاه شورش‌هایی برمی‌خیزد که نشانه دائمی همه حکومت‌ها قبل از رسیدن به ثبات است. صبغه فرهنگی و جایگاه عالمان به قدری اوج می‌گیرد که رقابت‌های سیاسی سه حکومت به میزان توجه عالمان به آنها بستگی می‌یابد.<sup>۳</sup> مدارس پر بار علمی در سراسر جهان اسلام شکل می‌گیرند و رشته‌های مختلف علوم اسلامی با سرعتی مثال‌زدنی بر نردبان ترقی صعود می‌کنند. گرچه بغداد، نیشابور و اصفهان سه پایگاه مهم عالمان به شمار می‌روند اما شهرهای بسیار دیگری از جمله بصره، مکه و... همچنین منطقه اندلس هم مرکزیتی در خور می‌گیرند.<sup>۴</sup> غیر منصفانه است که همچون برخی محققان متعصب سنی مذهب از نقش بی‌بدیل حاکمان فرهنگ‌دوست این دوره و تأثیر آنها در گشوده شدن غل و زنجیرهای استبداد خشن عباسی از بال و پر علوم اسلامی غفلت کنیم. وزیرانی، چون صاحب‌بن‌عباد، رکن‌الدوله یا سیف‌الدوله خود نیز در کنار سیاست‌ورزی، از عالمان در خور اعتنای دوره خویش محسوب می‌شده‌اند. در این قرن دانش‌های ادبی و شعر

۱. همان، ش ۱۸۰.

۲. ساریسی، راغب و جهوده فی اللغة و الادب، ص ۳۲.

۳. همان جا.

۴. ظهراالاسلام، ج ۱، ص ۲۰.

اوج می‌گیرند. شاعرانی چون متنبی و ابواسحاق صابی در دربار آل بویه، از این جمله‌اند.<sup>۱</sup> دانش فقه نیز در این بازه زمانی بسیار گسترده می‌شود و دیدگاه‌های فقهی از یکدیگر فاصله می‌گیرند. مفسران فراوانی هم در این دوره در حوزه قرآن ظهور می‌کنند.<sup>۲</sup> قرن چهارم، قرن شکوفایی دانش‌های عقلی نیز هست. ابن‌سینا، ابوزکریا صمیری، ابوحنیفان توحیدی، ابوبکر رازی همه در این قرن هستند و فلسفه اخوان الصفا هم در همین قرن شکوفا می‌شود.<sup>۳</sup> گرچه با پایان این قرن، معتزله به‌عنوان جریان عقل‌گرای اهل سنت رو به خاموشی ابدی خود می‌نهد و تاب مقاومت در برابر حملات فراوان عالمان طرفدار سنت را نمی‌آورد.<sup>۴</sup> چرایی شکل‌گیری و خاموشی معتزله هرچند خود موضوع ارزشمندی برای بررسی به شمار می‌رود؛ اما بی‌تردید نمی‌تواند با سخت‌گیری این فرقه و استفاده آنها از نیروی حاکمیت برای به کرسی نشاندن بحث‌هایی چون خلقت قرآن و سرکوب کردن مخالفان فکری خود بی‌ارتباط باشد.<sup>۵</sup> چنین رویکردهایی به تدریج توده‌های مردم را نسبت به معتزله بدبین کرد و سرانجام ظهور ابوالحسن اشعری و حامیان بعدی وی که سخن از بازگشت به سنت را به میان آورده بودند، با پذیرش و اقبال مردمی همراه شد. این روند در دوره سلجوقیان و همراهی حاکمیت با این جریان مرتبط با متن مردم به اوج خود رسید و باعث ریشه‌کنی معتزله شد.<sup>۶</sup>

اما نکته تلخی که در این دوره خودنمایی می‌کند بروز درگیری‌های مذهبی به‌ویژه در دو شهر مهم بغداد و اصفهان است.<sup>۷</sup> نکته‌ای که در این میان جلب توجه می‌کند، میدان‌داری حنبلی‌ها در این نزاع‌هاست و هرچه سال‌های هجری به سال ۴۰۰ق، نزدیک‌تر شده و از آن فاصله می‌گیرند جهان اسلام هم با روزهای طلایی خود وداع می‌کند و تفکر بسته حنبلیان به درگیری با دیگر جریان‌ها به‌خصوص شیعیان روی می‌آورد؛ به‌طوری‌که برای مثال، همه شیعیان در بلاد

۱. بستانی، ادباء العرب فی العصر العباسی، ج ۲، ص ۲۹۳-۳۰۰.

۲. به تعداد فراوان فقیهان و مفسران در این دوره در طبقات مختلف، مراجعه کنید از جمله: سبکی در طبقات الشافعیة و احمد بن محمد در الأدنه وی، طبقات المفسرین، ص ۱۰۶-۱۲۷.

۳. بستانی، ادباء العرب...، ج ۲، ص ۲۹۳-۳۰۰.

۴. ساریسی، راغب و جهوده فی اللغة و الادب، ص ۲۲-۵۰.

۵. امین، ظهرا الاسلام، ج ۱، ص ۲۶؛ جعفری لنگرودی، تاریخ معتزله، ص ۱۵۳.

۶. امین، همان، ص ۵۳؛ متز، الحضارة الاسلامیة، ص ۳۶۵، بیانیه‌ای از القادر خلیفه عباسی را برضد معتزله نقل می‌کند (میرلوحی فلاورجانی، شرح حال راغب...، ص ۲۰).

۷. آدم متز، الحضارة الاسلامیة فی القرن الرابع الهجری، ج ۱، ص ۱۲۳.

بخش اول: نگاهی به حیات، شخصیت و آثار راغب اصفهانی ۱۳

آفرینا از سوی اینان به شکل فجیعی سوزانده می‌شوند؛ یا در بغداد، سنیان محل زندگی شیعیان را با خاک یکسان کرده و ستم فراوانی را بر آنها روا داشتند و حتی با به آتش کشیدن کتابخانه‌های بزرگ آنها موجبات هجرت عالمان بزرگ شیعی چون شیخ طوسی از بغداد را فراهم آوردند.<sup>۱</sup> البته این درگیری‌ها تنها بر ضد شیعیان نبود، بلکه حنابله با شافعیان و حتی طرف‌داران اشاعره نیز نزاع‌های فراوانی به راه انداختند.<sup>۲</sup>

### تفسیر و علوم قرآنی در دوره راغب اصفهانی

با توجه به موضوع مورد بحث ما - بررسی روش تفسیری راغب اصفهانی - لازم است تا به طور خاص نگاهی به وضعیت علوم قرآنی در این دوره بیفکنیم. همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، دورشته تفسیر و علوم قرآنی نیز همانند دیگر دانش‌های اسلامی در دوره خود با اقبال فراوان دانشمندان مواجه شده و آثار فراوانی در حوزه هر یک به آستان پژوهش و تألیف اهدا شدند. از جمله مهم‌ترین عالمان علوم قرآنی در این دوره ابوبکر محمد بن عزیز سجستانی (۳۳۰ق) است که غریب القرآن را نوشت و طرحی نو در نگارش آن در انداخت.<sup>۳</sup> همچنین می‌توان نام برد از: نحاس (۳۳۸ق) صاحب کتاب‌های اعراب القرآن، معانی القرآن و الناسخ والمنسوخ و احمد بن محمد بن سیار (۳۶۸ق)، ابوعلی فارسی (۳۷۷ق)، رمانی (۳۸۴ق) صاحب النکت فی اعجاز القرآن، الادفوی (۳۸۸ق) و محمد بن ابراهیم خطابی (۳۸۸ق)، باقلانی (۴۰۳ق)، سیدرضی (۴۰۶ق)، قاضی ابوذرعه (۴۱۰ق)، هبة الله بن سلامة (۴۱۰ق)، شیخ مفید (۴۱۳ق)، قاضی عبدالجبار (۴۱۵ق)، ابن مغربی و سیدمرتضی، ابن حزم ظاهری، شیخ طوسی (۴۶۰ق)، واحدی نیشابوری (۴۶۸ق) و...<sup>۴</sup> همچنین دانشمندانی چون ابن بحر معتزلی (۳۲۲ق) و شیخ صدوق (۳۸۱ق)، طحاوی (۳۲۱ق)، ابن حبان (۳۵۴ق)، ابومنصور ازهری (۳۷۰ق)، ابوجعفر هروی (۳۸۱ق)، ابن عطیه (۳۸۳ق)، ابن فارس (۳۹۵ق)، ابوهلال عسکری (۴۰۰ق)، ابن مردویه اصفهانی (۴۱۹ق)، ابو عبدالرحمن سلمی (۴۱۲ق)، ثعلبی (۴۱۷ق)، حیر نیشابوری (۴۳۰ق)، صابونی (۴۴۷ق)، ماوردی (۴۵۰ق) و قشیری (۴۶۵ق) که در زمره

۱. فیومی، شیخ اهل السنة و الجماعة، ابوالحسن الأشعری، ص ۳۳۸ (به نقل از: ابن اثیر، البداية و النهاية، ج ۱۲، ص ۶۳؛ ابن خلدون، العبر و دیوان المبتدأ و الخبر، ج ۳، ص ۴۵۶).

۲. ابن خلدون، همان.

۳. مهدوی راد، سیر نگارش‌های علوم قرآنی، ص ۴۲.

۴. همان، ص ۴۲-۶۱.

مفسران بزرگ این دوره به‌شمارند و آثار قابل توجه و ماندگاری از خود برجای گذاشته‌اند.<sup>۱</sup> نکته قابل توجه در باب مفسران این دوره این است که بیشتر آنان گرایش‌های قوی نحوی داشته و همچنین بیشتر اهل سه شهر نیشابور، اصفهان یا بغداد بوده‌اند یا دست‌کم مسافرت‌هایی به این سه شهر و به‌ویژه بغداد داشته‌اند. به‌جاست که در این مقام به تأثیر راغب اصفهانی بر تفسیرهای پس از او نیز اشاره‌ای گذرا داشته باشیم.

### تأثیر راغب بر تفسیرهای پس از او

بر همه کسانی که با تفسیر راغب آشنا شده‌اند آشکار است که اگر این اثر مفقود نمی‌شد و به‌طور کامل به دست ما می‌رسید، مجالی برای سایر تفسیرهایی که به‌خصوص در علوم ادبی مرجع تلقی می‌شوند، باقی نمی‌گذاشت. نگارش شیوا و به دور از درازگویی‌های مرسوم در برخی تفسیرها و نیز تسلط مثال‌زدنی راغب بر آیات قرآن و ادبیات عرب، اعم از واژه‌شناسی و صرف و نحو، در کنار روش مبتنی بر اجتهاد و اندیشه او، جامع‌التفاسیر را اثری دلپذیر و قابل استفاده در مقام مرجعیت دیگر تفسیرها ساخته که دلیل به طبع نرسیدن قسمت‌های موجود آن، احتمالاً پراکندگی نسخه‌ها و کامل نبودن مجموعه است و شاید نزدیک‌ترین راه احیای این نسخه‌ها، که بخش‌هایی از آن در ایران هم وجود دارد، تحقیق و چاپ آن در قالب رساله‌های دانشجویی باشد.

درباره تأثیر راغب بر تفسیرهای پس از خود جای پژوهش بسیار است به‌ویژه آنکه بدانیم بسیاری از گذشتگان در نقل دیدگاه‌ها مقید به نام بردن از اثر مرجع خود نبوده‌اند. حاجی خلیفه نقل کرده است که بیضاوی تفسیرش را بر پایه تفسیر راغب به نگارش درآورده است.<sup>۲</sup> تأثیر بیضاوی از راغب در علوم اشتقاق، حقائق پیچیده، لطائف و اشارات و اعتبارات، افزون بر آنکه بر جلد نسخه‌ای قدیمی از مفردات راغب آمده، از مقایسه تفسیر او با تفسیر و مفردات راغب آشکار است، هرچند بیضاوی اشاره‌ای به نام راغب نکرده است.<sup>۳</sup> میرلوحی فلاورجانی معتقد است در موارد بسیاری گویی بیضاوی درست آنچه را که در تفسیر راغب بوده، با تغییر عبارت‌ها به تفسیر خود منتقل ساخته است. همچنین تفسیر او در موارد متعددی از جمله هدایت، رب‌العالمین، علم، شیء، قدر و... با مفردات راغب هماهنگی بسیار دارد.<sup>۴</sup>

۱. الأذنه وی، همان‌جا.

۲. حاجی خلیفه، کشف الظنون... ذیل جامع التفسیر.

۳. ساریسی، الراغب و جهوده فی اللغة و الادب، ص ۲۲۴.

۴. همان، ص ۱۳۶-۱۴۲.



بخش اول: نگاهی به حیات، شخصیت و آثار راغب اصفهانی ۱۵

ساریسی مدعی است از قدیمی‌ترین تفسیرهایی که به صراحت از راغب نقل کرده‌اند، فخر رازی است که دست‌کم در دو مورد با عناوین حسین بن فضل و حسین از او در اوائل سوره حمد و در بحث مکی یا مدنی بودن این سوره نقل کرده است.<sup>۱</sup> اما با توجه به اینکه در چند مورد دیگر فخر رازی از همین نام با پسوند بجلی مواردی را نقل کرده است،<sup>۲</sup> راغب بودن حسین بن فضل در آثار او قطعی نیست؛ هرچند او در ذیل تفسیر آیه ۸۵ سوره اسراء به نام راغب اصفهانی با عنوان یکی از متکلمان شاخص اشعری مذهب اشاره کرده است.

اما دیگر دانشمند بزرگی که بسیار تحت تأثیر راغب اصفهانی بوده، بدرالدین زرکشی (۷۴۷ق) نویسنده کتاب شهیر البرهان فی علوم القرآن است که بیش از سی بار از تفسیر راغب، مقدمه آن و نیز مفردات و الذریعة نقل مطلب کرده و همان‌گونه که در مقدمه گذشت، این کتاب را از بهترین تألیفات در غریب القرآن می‌شناسد.<sup>۳</sup> این جمله در مقدمه از سیوطی هم نقل شد. او هم خود در اتقان در مواضعی از راغب نقل کرده است.

ابوحیان اندلسی نیز از کسانی است که در تفسیر بحر المحيط در موارد بسیاری به کلام راغب با ذکر نام او اشاره می‌کند.<sup>۴</sup> همچنین اند شهاب‌الدین آلوسی مفسر بزرگ بغدادی و صاحب تفسیر روح المعانی و نیز رشیدرضا و علامه طباطبایی در تفسیرشان و نیز اغلب کسانی که در قرن‌های اخیر دست به تألیفی در تفسیر یا واژه‌شناسی قرآن زده‌اند.<sup>۵</sup> امروزه اهمیت مفردات راغب و جایگاه آن به حدی است که تصور نگارش اثری در حوزه تفسیر و واژه‌های قرآن و موارد مشابه، بدون مراجعه به آن دشوار است.

جایگاه راغب در علم تفسیر آنگاه بیشتر بر همگان آشکار می‌شود که همه مجلدات موجود تفسیر او به چاپ رسیده و اثر دیگرش در حوزه تفسیر، یعنی درة التأویل و غرة التنزیل که به احتمال بسیار متعلق به اوست، به نام خود او و نه خطیب اسکافی، که هیچ اثری در حوزه قرآن و تفسیر از او نقل نشده، طبع شوند.

---

۱. همان، ص ۲۲۱.

۲. رازی، اساس التقدیس فی علم الکلام، ج ۲، ص ۲۹؛ ج ۸، ص ۵۸؛ ج ۳۰، ص ۲۲۰۸ و ج ۳۲، ص ۱۸۲.

۳. همان، ص ۲۲۴-۲۲۵.

۴. عادل بن علی الشدی، در تحقیق خود بر تفسیر راغب، به مناسبت، در ذیل توضیحات راغب به خوبی به این موارد اشاره کرده است؛ مانند: راغب اصفهانی، مفردات، ص ۴۹۶، ۹۴۷، ۱۳۲۱، ۱۳۹۰ و ... او به مواردی هم اشاره می‌کند که نقل ابوحیان از راغب صحیح نیست و مطلب درستی به او نسبت داده نشده است: (همان، ص ۱۱۳).

۵. ساریسی، الراغب و جهوده فی اللغة و الادب، ص ۲۲۱-۲۲۶.

## مذهب راغب از نگاه دیگران

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، مذهب راغب، اعم از عقیده کلامی و مذهب فقهی‌اش، از جمله اموری هستند که پس از قرن‌ها هنوز هم قابل بحث بوده و حل نشده باقی مانده‌اند.

از دیرباز نیز به دلیل اهمیت راغب و جایگاه آثارش، گفته‌های مختلفی در این زمینه بیان شده است. از کلام سیوطی دانسته می‌شود که دست‌کم تا قرن دهم، مشهور میان علما، که حاصل برداشت از آثار راغب بوده، اعتزال وی بوده است. او می‌نویسد:

مفردات قرآن و افانین البلاغه و المحاضرات از آن اوست که من بر هر سه دست یافتیم و در اندیشه‌ام چنین بود که راغب، معتزلی است تا اینکه به خط شیخ بدرالدین زرکشی بر پشت نسخه‌ای از القواعد الصغری، تألیف عبدالسلام دیدم که گفته بود: امام فخرالدین رازی در اساس التقدیس در بخش اصول، راغب را در میان ائمه اهل سنت یاد کرده و او را همتای غزالی دانسته؛ گفت: «این فایده‌ای نیکو است، چراکه بسیاری از مردم تصور می‌کنند راغب معتزلی است».<sup>۱</sup>

اصل کلام فخر رازی در اساس التقدیس در باب «اثبات موجود بلا مکان» چنین است:

بلکه جمعی از مسلمانان مذهب آنها را اختیار کرده‌اند مانند معمر بن عبّاد سلمی از معتزله و مانند محمد بن نعمان از رافضه و مانند ابی القاسم راغب و ابوحامد غزالی از اصحاب ما.<sup>۲</sup>

واضح است که محقق کم نظیری چون سیوطی آن هم با در دست داشتن سه کتاب مهم راغب هرگز ظن بیهوده به اعتزال او نداشته است و سخن زرکشی نیز شهرت اعتزال راغب را تأیید می‌کند و البته مشعوف شدن این محققان از دیدن کلام فخر رازی و نسبت دادن اشعریت به راغب، با در نظر گرفتن تعصبات مذهبی، امری عجیب نیست.

ولی کلام فخر رازی هم به دلیل نداشتن برهان و دلیل، فاصله زمانی قابل توجه (حدود چهار یا پنج قرن) با راغب و تعصب کم مانند او، قابل استناد نیست.

از کلام صاحب تبصرة العوام نیز شهرت اعتزال راغب دانسته می‌شود آنگاه که می‌گوید:

فرقه چهارم از اصحاب شافعی، معتزلی باشند و رئیس ایشان «ماوردی» بود و «راغب اصفهانی» و این مشهور است.<sup>۳</sup>

تشیع راغب اصفهانی هم مطلبی است که به نظر می‌رسد، قدیمی‌ترین منبعی که اشاره به آن

۱. سیوطی، بغية الوعاة...، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲. رازی، اساس التقدیس فی علم الکلام، ص ۲۴. فخر رازی شبیه همین مطلب را در تفسیر خود ذیل آیه ۸۵

سوره اسراء نیز آورده است. ۳. حسینی رازی، تبصرة العوام فی معرفة الانام، ص ۹۹.

بخش اول: نگاهی به حیات، شخصیت و آثار راغب اصفهانی ۱۷

داشته و دیگران بدان ارجاع داده‌اند، کتاب اسرارالامامیه، از عمادالدین طبرسی یا طبری باشد که در قرن هفتم هجری تألیف شده است. او در فصلی که به شماری از حکمای پیشین اختصاص داده می‌نویسد:

و از اسلامی‌ها، «ابو علی سینا حسین بن عبدالله» از اسماعیلیه، «غزالی» از شافعی‌ها و راغب از شیعه امامیه...»<sup>۱</sup>

عمادالدین یا عمادالاسلام طبرسی آن‌گونه که صاحب ریاض العلماء و محققان اسرارالامامیه می‌نویسند:

از افاضل علمای طبرستان و معاصر خواجه نصیرالدین طوسی بوده و نزد داعیان علما، موثق تلقی می‌شود. از کتب او انکار و طعنش بر صوفیه نظیر حلاج، بایزید، شبلی، غزالی و امثالشان آشکار است. شهید ثانی و شهید اول از او نقل فتوا کرده‌اند، تعدادی از آثار بسیار او عبارت‌اند از: کامل السقیفه یا کامل بهایی، مناقب الطاهرین فی اهل بیت المعصومین، الکفایة فی الامامه، کتاب کبیر فی الامامة، تنقیح مراتب التبری عنهم والتشیع علیهم هستند و...<sup>۲</sup>

آنچه از نام کتاب‌های طبرسی، که جملگی آنها در باب ولایت ائمه معصومان (علیهم‌السلام) هستند برمی‌آید، تعصب شدید او در مذهب تشیع و بی‌پروایی‌اش در طعن مخالفان است. افزون بر آنکه در همین کتاب اسرارالامامیه نیز اقوال غیر مشهور دیگری از او نقل شده که اعتماد کردن به کار وی را با مشکل مواجه می‌کند.

روشن است وجود ادعاهای بسیار قابل بررسی در یک کتاب، آن هم بدون دلیل قاطع درحالی که نویسنده هم منفرد در این نظریات باشد، می‌تواند بر اعتبار همه کتاب خدشه وارد سازد، یا خواننده را به احتیاط در پذیرش و نقل مطالب آن وادارد، به‌ویژه اینکه فاصله زمانی طبرسی هم تا راغب هم دست‌کم دو قرن ونیم بوده است. پس به‌طور کلی، کلام طبرسی نیز دست کمی از کلام فخر رازی ندارد.

میرزا عبدالله افندی صاحب ریاض العلماء نیز گرچه در تشیع یا تسنن راغب تردید دارد؛ اما در معتزلی بودن او، اگر سنی باشد، تردیدی به خود راه نداده و نوشته است:

در تشیع او اختلاف شده است، درحالی که عامه تصریح کرده‌اند او از عامه معتزله است و بعضی

---

۱. طبرسی، اسرارالامامیه، ص ۵۱۴.

۲. افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۱، ص ۲۸۶.

از خاصه نیز بر همین مطلب تصریح کرده‌اند؛ اما شیخ حسن طبرسی تصریح کرده‌است او از حکمای شیعه امامیه است و ما مفصل احوال او را در ترجمه‌اش در بخش دوم آورده‌ایم.<sup>۱</sup>

چنان‌که مشاهده می‌شود، افندی بیان مفصل احوال راغب را به قسم دوم کتابش که در باب علمای اهل سنت نگاشته ارجاع می‌دهد، ولی متأسفانه سه جلد از پنج جلد مربوط به قسم دوم، از جمله بخش مربوط به راغب اصفهانی مفقود شده است؛ گرچه معلوم نیست چیزی بیش از آنچه دیگران درباره‌ی راغب آورده‌اند، در برداشته باشد.

در میان اقوال پیشینیان درباره‌ی راغب، نکته قابل توجه دیگر کلام شیخ بهاء‌الدین عاملی است که آقای حسینی خسروی، مترجم و محقق مفردات، بدون ارائه‌ی نشانی از وی نقل کرده و می‌گوید: «شیخ بهاء‌الدین عاملی او را با نام امام و علامه‌ای که لقب امیرالمؤمنین را در تمامی آثارش تنها درباره‌ی علی (علیه السلام) به کار می‌برد، نه اشعری و نه معتزلی می‌داند».<sup>۲</sup>

صدرالمتألهین در رساله‌ی مبدأ و معاد خویش، در باب معاد جسمانی، نام راغب را در زمرة متکلمان عامه همچون غزالی، کعبی، حلیمی، قاضی ابوزید و دیگران آورده است.<sup>۳</sup> طریحی نیز او را ذیل ماده‌ی «روح» در کنار ابوحامد غزالی و فخر رازی در زمرة متکلمان اشاعره دانسته.<sup>۴</sup>

از آنچه آمد معلوم می‌شود که شهرت میان دانشمندان قدیم، اعتزال راغب بوده‌است؛ گرچه عده‌ای او را شیعه و شماری نیز اشعری دانسته‌اند، اما آنچه که بسیاری از محققان معاصر اهل سنت با تعصبی فوق‌العاده بدان روی کرده‌اند سعی در اثبات سلفی بودن راغب است که نمونه‌ی روشن آن در تحقیق صفوان عدنان داوودی بر مفردات راغب، مقدمه‌ی تحقیق ابویزید العجمی بر الذریعة او و رساله‌ی دکتری چاپ شده‌ی عمر ساریسی جلوه‌گر شده است. گرچه در فصلی جداگانه به مذهب راغب با توجه به آثارش خواهیم پرداخت؛ اما به مناسبت به دلایل این دسته از محققان می‌پردازیم:

در استدلال‌های اینان بر سنی سلفی بودن راغب نکته‌ای که جلب نظر می‌کند نپرداختن، یا

۱. همان، ص ۱۷۲.

۲. حسینی خسروی، مقدمه‌ی تحقیق «مفردات القرآن» راغب اصفهانی (در کتاب‌شناسی این تحقیق به کشکول شیخ بهائی ارجاع داده شده که مطلب مورد بحث پس از مراجعه به فهرست اعلام آن کتاب یافت نشد).

۳. صدرالمتألهین، رساله‌ی مبدأ و معاد، ص ۲۷۳، به نقل از میرلوحی فلاورجانی، ص ۴۳.

۴. طریحی، مجمع‌البحرین، قسم الدراسات الإسلامية، ج ۲، ص ۳۵۷.

بخش اول: نگاهی به حیات، شخصیت و آثار راغب اصفهانی ۱۹

نپرداختن جدی به کتاب‌های اصلی و کلیدی او، چون مفردات، تفسیر راغب، الذریعة و... است. عدنان داوودی و ساریسی هر دو به روش نقضی نخست احتمال تشیع و اعتزال راغب را رد کرده، سپس به تعبیر خود، به سنی بودن او قائل می‌شوند و در همه این موارد دلیل اصلی و در حقیقت تنها دلیل آنها رساله‌ای منتسب به راغب است با نام «رسالة فی الاعتقاد» که گویا پیش از این تنها در حاشیه کتاب سیر اعلام النبلاء که سال ۱۹۸۰م، چاپ «الرساله» است آمده و در منابع گذشته و حتی در فهرست «بروکلمان» هم نامی از آن نیست.<sup>۱</sup> ساریسی نسخه‌ای از آن را در کتابخانه سعید باشا در سلیمانیه استانبول به شماره ۲۸۲ / ۳ دیده است<sup>۲</sup> و داوودی نیز خبر از چاپ آن به عنوان رساله کارشناسی ارشد در جامعه أم القرى می‌دهد.<sup>۳</sup>

صفوان عدنان داوودی که مفردات با تحقیق او و به دلیل فهرست‌های مناسب بسیار مورد توجه و استفاده واقع شده دلایل خود بر رد اعتزال، یا تشیع را در مقدمه مفردات ارائه می‌کند که پس از دسته‌بندی و تفکیک، به صورت ذیل اند:

### الف) کلام فخر رازی و سیوطی

بررسی آن پیش از این آمد و روشن شد، این قول بیش از آنکه دلیل بر اشعری بودن راغب باشد، نشان از شهرت اعتزال او در افواه خاص و عام دارد.

### ب) رد راغب بر شیوخ معتزله «بلخی» و «جبائی» به عنوان نمونه در ذیل واژه‌های «ختم» و «خل»

گرچه داوودی به جزئیات این دو ماده و چگونگی نقد راغب بر شیوخ نمی‌پردازد و نیز گرچه راغب در کتاب تفسیرش که داوودی آن را تا هنگام نشر کتابش ندیده است، نقدهای مؤثری بر شیوخ معتزله وارد کرده؛ اما با رفتن به سراغ این دو ماده، غیر محققانه و متعصبانه بودن این‌گونه بحث کردن به وضوح روشن می‌شود.

راغب ذیل ماده «ختم» قول جبائی را که می‌گوید: منظور از «ختم» علامتی است که ملائکه به وسیله آن گنهکاران را می‌شناسند؛ رد می‌کند و قول دیگری را می‌پذیرد و آن اینکه می‌گوید:

۱. بروکلمان، تاریخ الأدب العربی، ص ۲۱۵.

۲. ساریسی، الراغب و جهوده...، ص ۵۱.

۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۱۱.

«منظور از ختم حالتی است که انسان هنگام انجام مکرر بدی‌ها پیدا می‌کند و کم‌کم بدی‌ها را خوب می‌شمرد و سپس استعارات طبع و گن و اغفال را هم از این نوع می‌شمرد».<sup>۱</sup> آنچه که در این میان جلب توجه می‌کند این است که در تقسیم‌بندی فخر رازی از اقوال معتزله در این باب، نظر راغب به‌عنوان دیدگاه اول معتزله و دیدگاه جبائی به‌عنوانی دهمین و آخرین دیدگاه معروف معتزله معرفی شده است!<sup>۲</sup> از این رو، راغب با رد قول جبائی، قول مشهورتری میان معتزله را پذیرفته که اتفاقاً بسیار هم با اعتراض اشاعره مواجه شده است.<sup>۳</sup>

اما در ماده «خل» نیز راغب قیاس خلیل با حبیب از جانب بلخی را ناصحیح دانسته، می‌گوید: «فهذا منه اشتباه». پرواضح است اگر محقق کلام محقق دیگری را در بحث لغوی و کم اثری چون مورد بحث آن هم با چنین عبارت ملایمی رد کرد، هیچ‌گاه دلیل بر این نیست که نظر کلامی او را هم در کلیات نمی‌پذیرد و این مطلب نیاز به توضیح بیشتر ندارد. اگرچه که بعد از این با تکیه بر آثار نشان خواهیم داد راغب نمی‌تواند معتزلی باشد.

### ج) کتاب رساله فی الاعتقاد

همان‌گونه که گذشت، این کتاب نوپدید حاوی مطالب بسیار تنیدی علیه شیعیان و موضع‌گیری‌های واضح و صریحی در تأیید سلفی‌هاست. مطلبی که در هیچ‌یک از آثار راغب سابقه ندارد، بلکه شیوه قلم‌فرسایی او خلاف آن است.

این کتاب به سال ۱۹۸۸م، با تحقیق ابویزید العجمی در بیروت به چاپ رسیده است و مؤلف در مقدمه سه نسخه را مرجع تحقیق خود معرفی کرده که از جمله آنها، مخطوطه رساله تحقیق البیان در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد است.<sup>۴</sup> که البته فاقد بخش‌های نخست

۱. همان، ذیل مواد یادشده.

۲. فخررازی، تفسیر، ج ۱، ص ۵۶ و نیز ج ۲۳، ص ۱۳۵.

۳. قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۱، ص ۱۳۱.

۴. این نسخه که به شماره ۵۶ در قسمت نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود از اول کتاب ناقصی دارد و با عبارت «فی صور مختلفة و ذلك ظاهره من خبر جبریل وإتیانه النبی فی صورة دحیة الکلبی...» آغاز شده. خط آن نسخ بوده، طول آن ۲۱ و عرض آن ۱۲ سانتی‌متر است که در سال ۱۰۶۷ق، از سوی فردی «ابن خاتون» نام وقف آستانه شده است. عدد اوراق آن گونه که در شناسنامه کتاب که ضمیمه جلد چرمین و قدیمی آن شده ۱۶۹ آمده حال آنکه ۱۵۲ صفحه یا ۷۶ ورق بیشتر ندارد. ساریسی با توجه به همین قرینه تعداد صفحات مفقودی را ۱۷ صفحه عنوان کرده است. هرچند در فهرست الفبائی کتابخانه آستان قدس رضوی تعداد صفحات صحیح درج شده (ج ۱۳، ص ۱۱۸، ←